

A Passive Approach to Confronting the Family Centered on Women and its Impact on Creating Religious and Moral Insecurity in Islamic Culture

Hesamoddin Salehi

Qom Seminary, Qom, Iran. hsamsalhi@yahoo.com

Abstract

Security is a multifaceted concept encompassing various strategies, with family and lifestyle being directly connected to it. The influence of women on family and lifestyle is significant and undeniable. Women play a pivotal role in shaping values related to family and lifestyle. Neglecting the transcendent capacities and capabilities of women within the family and lifestyle can lead to insecurity in society. Society and its related phenomena are profoundly affected by the central role of women in family and lifestyle. This research aims to explore the foundational perspectives on security in Islamic Iran, focusing on the family, the centrality of women, and how this relationship impacts religious and moral security within Islamic culture. Islamic Iran, as a model of transcendent governance that emphasizes values related to ethics and religion within the family and lifestyle, serves as the foundation for realizing this relationship. Education within the family context, with a focus on the central role of women, is a decisive factor in fostering a lifestyle grounded in moral values. This is achieved by leveraging women's maternal capacities. In this study, we employed a descriptive-analytical research method to examine the relationship between passivity in a woman's maternal role and her centrality in the family, and their impact on religious and moral insecurity, based on various studies. Our findings indicate that passivity in recognizing the role of women in management affects the development of behavioral functions within the family and lifestyle, as influenced by Islamic culture. Utilizing the capacities of women as wives and mothers within the family and lifestyle can promote outcomes related to security grounded in ethics and religion. As a result, security, as an important and multifaceted phenomenon, can play a crucial role in realizing new concepts such as development. This can be achieved by leveraging the relationship between the family—centered on women—and society, utilizing their religious and moral capacities. Education is one of the pillars of achieving security-based development in society, which begins within the family and is influenced by the role of women as mothers. Women's management within the family, primarily as wives, can facilitate this process.

Keywords: Passivity, Family, Lifestyle, Woman.

Cite this article: Salehi, H. (2025). A Passive Approach to Confronting the Family Centered on Women and its Impact on Creating Religious and Moral Insecurity in Islamic Culture. *Social-Cultural Studies of Hawzah*. 9(2), p. 197-214. <https://doi.org/10.22034/scs.2025.73002.1445>

Received: 2025-04-19 ; **Revised:** 2025-06-02 ; **Accepted:** 2025-07-07 ; **Published online:** 2025-10-02

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article



<https://gnoe.bou.ac.ir/>

رویکرد انفعالی در مواجهه با خانواده با محوریت زن و تأثیر آن بر ایجاد ناامنی دینی و اخلاقی در فرهنگ اسلامی

حسام‌الدین صالحی

حوزه علمیه قم، قم، ایران. hsamsalhi@yahoo.com

چکیده

امنیت پدیده‌ای چندوجهی است که راهبردهای متنوعی را در خود داشته، و خانواده و سبک زندگی در ارتباط مستقیم با این پدیده چندوجهی می‌باشند. تأثیر زن در خانواده و سبک زندگی را نمی‌توان کتمان نمود. زن در ارزش‌های مرتبط با خانواده و سبک زندگی نقش محوری دارد. عدم توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های متعالی زن در خانواده و سبک زندگی می‌تواند ناامنی را در جامعه به وجود آورده، جامعه و پدیده‌های مرتبط با آن متأثر از نقش محوری زن در خانواده و سبک زندگی است. هدف پژوهش حاضر شناخت مبانی مرتبط با رویکردهای متنوع امنیت در ایران اسلامی در مواجهه با خانواده و محوریت زن و تأثیر این ارتباط با ناامنی دینی و اخلاقی در فرهنگ اسلامی است. ایران اسلامی به عنوان مدل حکمرانی متعالی در توجه به ارزش‌های مرتبط با اخلاق و دین در خانواده و سبک زندگی، بستر تحقق این ارتباط می‌باشد. تربیت در بستر خانواده و با محوریت زن در خانواده عامل قطعی در ایجاد سبک زندگی مرتبط با ارزش‌های اخلاقی است که با استفاده از ظرفیت مادری زن محقق می‌شود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و یافته‌ها نشان دهنده تأثیر انفعال در توجه به نقش زن در مدیریت، بر تربیت نوع عملکردهای رفتاری در خانواده و سبک زندگی مبتنی بر فرهنگ اسلامی است. در نتیجه می‌توان گفت، امنیت به عنوان پدیده‌ای مهم و چندوجهی در تحقق مفاهیم جدید مانند خانواده و سبک زندگی نقش موثری ایفا می‌نماید؛ این حقیقت با اتکاء به ارتباط میان خانواده با محوریت زن و استفاده از ظرفیت‌های دینی-اخلاقی با جامعه قابل دستیابی است. تربیت یکی از ارکان تحقق تعالی مبتنی بر امنیت در جامعه می‌باشد که تحقق آن در خانواده به سبب نقش مادری زن میسر شده، و مدیریت زن در خانواده با نقش همسری می‌تواند این حقیقت را میسر نماید.

واژه‌های کلیدی: خانواده، سبک زندگی، زن، امنیت، همسر.

استناد به این مقاله: صالحی، حسام‌الدین (۱۴۰۴). رویکرد انفعالی در مواجهه با خانواده با محوریت زن و تأثیر آن بر ایجاد ناامنی دینی و اخلاقی در

فرهنگ اسلامی. *مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه*، ۹(۲)، ص ۱۹۷-۲۱۴. <https://doi.org/10.22034/scs.2025.73002.1445>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.





۱. مقدمه

در میان مفاهیم و پدیده‌های مهم و اثرگذار در اجتماع بدون در نظر گرفتن ابزارهای نوین، خانواده یکی از پدیده‌های برجسته و راهبردی است که به سبب ازدواج شکل می‌گیرد. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»؛ «از نشانه‌های خدا است آن که آفرید برای شما همسرانی از جنس خودتان تا بدیشان آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. هر آینه در این کار برای مردمی که بیاندیشند، نشانه‌ها و عبرت‌ها است» (روم، ۲۱). هر جامعه به جهت عبور از بحران‌های شخصیتی- اجتماعی نیازمند توجه به خانواده، به عنوان رکن رکین و دلیل بقای رویکردهای ارزشی است. توجه به مسئله خانواده در یک جامعه بعد از گذار و عبور از بحران‌های مذکور، بستر ارتقای جایگاه اجتماعی انسان اعم از زن و مرد، بدون در نظر گرفتن جنسیت را فراهم می‌آورد. ارتباط میان بحران‌های شخصیتی- اجتماعی و مؤلفه‌های تعالی بخش و ارتقای جایگاه اجتماعی افراد مختلف در نوع تربیت و ایجاد نگرش فرد، در خانواده معنا پیدا می‌کند. «هرچه صمیمیت و انسجام در خانواده بیشتر باشد، نوجوان دوره نوجوانی آرام‌تری را پشت سر گذاشته و سردرگمی کمتری را تجربه می‌نماید. پژوهش‌ها در این زمینه نشان می‌دهد بین بحران هویت با جو خانوادگی، رابطه معناداری وجود دارد» (نعمتی، بلند و صیادی، ۱۴۰۱). بستر ایجاد مفاهیم مدرن و پدیده‌های نوظهور را باید در خانواده مشاهده نمود. کارکرد انسان مدرن با نگاه به تفکر حاصل از رویکردهای نوین در خانواده، ملموس و محسوس خواهد شد. بسیاری از بحران‌های اجتماعی که در نقاط مختلف دنیا ایجاد می‌شود، به سبب ارتباط خانواده با جامعه است. «خانواده در غرب به سه دلیل اصلی نظام سرمایه‌داری نولیبرال، نگرش فمینیستی رادیکال و فردگرایی افراطی، دچار بحران شده و رو به فروپاشی است» (ساروخانی، احمدی و صفا، ۱۳۹۵). توجه به موضوع جنسیت در خانواده از مسائل دیگری است که می‌تواند در بهبود شرایط جامعه، نقش آفرین باشد. «اسلام ارزش‌گذاری متفاوتی در مورد کارهای مردانه و کارهای زنانه ندارد، بلکه ارزش فعالیت‌های خانگی زن را معادل فعالیت‌های اجتماعی مرد می‌داند. پیامبر اسلام (ص)، پاداش اخروی زن در خوب شوهرداری کردن و کوشش در جهت کسب خشنودی شوهر و سازگاری با وی را با تمامی پاداش‌هایی که در ازای عبادت‌های جمعی و جهاد برای مرد مقرر شده، برابر دانسته است» (بستان (نجفی)، ۱۳۹۷). تفاوت میان دو جنس حاضر تحت عنوان خانواده و همزیستی مسالمت‌آمیز میان دو فردی که از نظر دیدگاه و نگرش متفاوت هستند، زمینه‌ساز تحقق اهداف اجتماعی است. جامعه نیازمند ایجاد تعامل میان افراد با هدف عبور از چالش‌های اجتماعی است، که با وجود خانواده محقق خواهد شد. «انسجام خانواده یکی از کارکردهای خانواده است و می‌توان آن را به عنوان پیوند عاطفی بین اعضای خانواده و حدی از استقلال فردی که شخص در سیستم خانواده تجربه می‌کند، تعریف نمود که میزان همبستگی میان آنها را نشان می‌دهد» (نعمتی، بلند و صیادی، ۱۴۰۱). حضور فعال و مستمر



زن در خانواده به عنوان محور فعالیت‌های مرتبط با جامعه و ایجاد انگیزه در جهت موفقیت در قبول مسئولیت‌های اجتماعی، یکی از وظایف مهم جنسیتی قلمداد می‌شود. عدم نقش‌آفرینی زن در خانواده به عنوان عضو مؤثر، در ایجاد آسیب‌های اجتماعی اثرگذار بوده، آسیب‌های بی‌شماری به بدنه فعال در جامعه وارد خواهد نمود. دیدگاه مؤثر از چالش‌های اجتماعی در صورتی تعدیل خواهد شد که زن در خانواده، توانایی از بین بردن خلأهای برجسته از این چالش‌ها را ترمیم نماید. «تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که زنان به عنوان مادران، همسران و دوستان صمیمی، مشوق و عامل شادابی هستند. همسر می‌تواند بزرگ‌ترین منبع رضایت باشد و رضایت زناشویی با نبود افسردگی رابطه نزدیکی دارد» (سمانچوه، ۱۳۹۸). نقش ترمیمی زن در خانواده به عنوان مادر و همسر در این بیان قابل مشاهده است؛ شادابی، گام مهم و تأثیرگذاری در ایجاد انگیزه حضور مؤثر در اجتماع است. امنیت اخلاقی و دینی، مؤلفه دیگر در ارتباط با مسئله خانواده و زن است. «خانواده از سوی جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به عنوان یک واقعیت و عامل پیشگیری و درمان برای بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی به شمار می‌آید. از نگاه آنان، خانواده کانون التیام آسیب‌شناسی اعضای خود است. در دوران معاصر و در روان‌شناسی مثبت‌گرا شاهد پیدایش اندیشه و نظریه خانواده‌درمانی مثبت‌گرا هستیم که به تقویت کانون خانواده و افزایش رشد و تکامل اعضای آن می‌انداشد» (ملکوتی‌نیا، ۱۳۹۵). در این پژوهش، ارتباط میان امنیت با ارزش‌های دینی در نظام اجتماعی؛ اثرگذاری خانواده با مدیریت و محوریت زن شاخص در جامعه ارزشی به عنوان نمونه در ایران اسلامی و عدم استفاده صحیح از ظرفیت‌های زن در خانواده به عنوان مربی و تأثیر آن بر ایجاد ناامنی اخلاقی و دینی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. پیشینه پژوهش

توجه به جایگاه و شأنیت زن در تحقیقات مختلف، مورد تبیین قرار گرفته است؛ اما نوع برخورد و رویکرد در مواجهه با ظرفیت‌ها و استعدادها و در جایگاه همسری و مادری به صورت خاص تبیین نشده است. حیدری (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «مقایسه حقوق زن در اسلام و سایر ادیان توحیدی»، مقام زن و ارتباط هویت زن با جامعه را این‌گونه تبیین می‌نمایند: «هویت زن، هویت جامعه است و در واقع، ارزش‌گذاشتن به زن و کمالات و خدمات بی‌پایان او، ارزش‌گذاشتن به تمام اقشار جامعه است». علی‌پور (۱۳۹۵)، نیز در پژوهشی با عنوان «مدیریت زن در خانواده» هدف تحقیق را نشان دادن اهمیت و خطری بودن این وظیفه برای خانواده و نقش و توانایی‌های روحی و روانی زنان در راستای ایفای این وظیفه، یعنی مدیریت امور داخلی خانواده عنوان است. یزدی (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «اخلاق مادری در اسلام و فمینیسم» به مقایسه مقام مادری در اسلام و فمینیسم پرداخته؛ رویکرد اسلام را در توجه به مقام مادری این‌گونه تبیین می‌نمایند: «اسلام فضائلی چون تقوا، عفت، صبر و ایثار و... را ضروری



عملکرد مقام مادری دانسته، دامن مادر را اولین مدرسهٔ انسان و مهم‌ترین عامل انتقال ارزش‌ها به نسل‌ها می‌داند».

۳. یافته‌های پژوهش

آنچه در این پژوهش به‌عنوان یافته موردبررسی و دقت نظر قرار می‌گیرد، ارتباط میان سبک زندگی و خانواده با محوریت ظرفیت‌های همسری و مادری زن با عنایت به ایجاد امنیت در جامعه است. جامعه نیازمند استفاده از ظرفیت‌های تربیتی خانواده و سبک زندگی دینی و اخلاقی است. در صورتی می‌توان جامعه کم‌آسیب و چالش را متصور شد که از این بستر متعالی و ظرفیت‌های درونی همسر و مادر به‌درستی استفاده شود. به‌طور خاص، می‌توان نقش محوری و مؤثر زن را به‌عنوان همسر و مادر در خانواده و سبک زندگی، در سه مورد مشاهده نمود که عبارتند از: تأثیر همسر بر فرایند الگوی جامعه‌پذیری اجتماعی مرد، شکوفایی استعداد در نتیجهٔ توجه به نقش مادری، عبور از بحران‌های اقتصادی با اتکال به ظرفیت‌های دینی و ارزشی زن. در حقیقت، می‌توان استفاده از ظرفیت‌های ذاتی زن را در خانواده و سبک زندگی بر تربیت فرد و اجتماع مؤثر دانست. اتکاء به این ظرفیت‌ها جامعه را در ایجاد امنیت، کمک و یاری می‌نماید.

۳-۱. امنیت، محصول توجه به ارزش‌های دینی در نظام اجتماعی

انسان به‌عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین مخلوق در میان خلایق موجود در عالم هستی شناخته می‌شود. تمرکز بر عقلانیت یکی از مهم‌ترین دلایل خلقت انسان در جهت تدبیر امور جامعه می‌باشد. ارزش‌های اخلاقی در عملکردهای رفتاری مبتنی بر عقلانیت است. «کارکرد عقل عملی، ادراک اموری است که شایسته و زیننده است که انسان رفتار کند؛ که در سه موضوع اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدرن تجلی می‌یابد» (جلایی نویری، ۱۴۰۰). در این میان، ممکن است برخی با شناخت صحیح و دقیق از ارزش‌های الهی، بستر ارزش‌های دینی را انتخاب نمایند. در مقابل، ممکن است برخی به‌سبب تأمین نیازهای مادی خود، رویکردهای مبتنی بر قواعد و چارچوب‌های مادی را برگزینند؛ که این انتخاب در نتیجهٔ کارکرد صحیح و تحلیل منطقی عقل است. علامه طباطبایی در این‌باره می‌فرماید: «انسان در شاهراه زندگی باید روش تعقل را پیش گیرد، نه روش احساس و عاطفه را؛ زیرا انسان می‌تواند با نیروی اختصاصی خود یعنی خرد و تعقل، خیر و شر و نحو و ضرر واقعی آن کار را بسنجد و در صورتی که مطابق مصلحت واقعی‌اش باشد، تصمیم به انجام آن گیرد و در غیر آن صورت، احساسات و عواطف خود را مهار کرده از انجام دادن آن کار خودداری کند. روشن است که سعادت و رستگاری انسان با نیروی اختصاصی خود تأمین خواهد شد؛ نه با نیرویی که میان او و سایر حیوانات مشترک است» (فهیمی و محمدی، ۱۳۹۹). استفاده از رویکردهای مختلف مادی یا معنوی از سوی کسانی که متولی ادارهٔ امور



جامعه هستند، قوانین و ساختارهای قانونی یا پدیده‌های نوین اجتماعی را ایجاد می‌نماید؛ هریک از این پدیده‌ها ارتباط مستقیم با تعالی فرد و جامعه داشته، اهداف خلقت انسان را محقق می‌نماید. «گاهی مردم، حاکمان شایسته را می‌پذیرند و گاهی با فریبکاری شیطان‌صفتان، شایستگان مورد پذیرش مردم قرار نمی‌گیرند و سلطه‌جویان ظالم، حکومت را در دست می‌گیرند» (جعفری، حاجیان حسین‌آبادی و فدوی، ۱۴۰۰). امامان معصوم(ع) در مواجهه با جریان‌های حاکم در زمان خود، مهم‌ترین نمونه توجیه به ارزش‌ها بوده و هستند. بی‌توجهی به اصول و ضوابط ارزشی در جامعه، به گسترش فضای هرج و مرج و بی‌قانونی در میان عموم مردم یک جامعه منجر خواهد شد؛ که با اهداف ایجاد ساختارهای اصولی خلقت در تقابل است. راهبرد امام کاظم(ع) (به‌عنوان نمونه) ایستادگی در مقابل ظلم حاکمان زمان خود و تبیین وضع موجود و مطلوب در برخورد با حکام بوده است. «در سیره امام کاظم(ع) سخنان و رفتار مبارزه‌طلبانه‌ای مشاهده می‌شود که بیش از آنکه بتوان آن را با سیاق کلی تقیه و مخفی‌کاری توجیه کرد، می‌توان آن را در یک منظومه رفتاری هشداردهنده و حماسه‌برانگیز تفسیر نمود که از طرفی، تبلیغات رژیم غاصب عباسی را خنثی می‌کرد و از سوی دیگر، ضمن ارائه هدف و دورنمای حق اهل‌بیت(ع)، در محفل‌های عمومی ندای مظلومیت و غضب حق اهل‌بیت(ع) را به‌گوش علاقه‌مندان می‌رساند» (چلونگر و نجاتی، ۱۳۹۴). ظلم از جمله عوامل بروز رفتارهای ضد امنیت در اداره امور جامعه محسوب شده، توازن روابط صحیح و منطقی میان حاکم و عموم مردم یک مجموعه را از بین می‌برد.

امیرالمؤمنین علی(ع) در اداره امور جامعه، نقش مردم را برجسته و محور قبول مسئولیت‌های اجتماعی را خواست مردم می‌دانند. روی آوردن مردم به جریان‌های مدیریتی صالح و رویکردهای مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی یا خواست افراد صالح می‌تواند مهم‌ترین مؤلفه در ایجاد فضای متعالی بوده باشد. «امیرالمؤمنین(ع) دلیل عدم‌پذیرش حکومت مردم را در اوضاع خاص سیاسی از قول رسول خدا(ص) چنین بیان می‌کند: اگر مردمان بر تو گرد آمدند، پس آنچه به تو فرمان داده‌ام، به‌جا آور و امرشان را به‌عهده گیر؛ وگرنه خود را به کناری فرود آر و آنان را واگذار. پس چون مردم از کنارم پراکنده شدند، به‌ناچار دست فروهشتم و خار در چشم، دیده فروبستم و خود را به کناری کشیدم» (جعفری و حاجیان حسین‌آبادی و فدوی، ۱۴۰۰). حضور مؤثر مردم در پیاده‌سازی ارزش‌های الهی را باید از مؤلفه‌های ایجاد فضایی با شاخص‌های امنیت اخلاقی در دنیای مدرن دانست. امنیت، یکی از پدیده‌های مرتبط با مسائل اجتماعی جدید است که در سعادت انسان از بُعد مادی و معنوی با تاثیر بر مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی با نگاه به ساختارهای اجتماعی نقش ایفا می‌نماید. «براساس تئوری نیازها در هرم مازلو، امنیت یکی از نیازهای ضروری و وجودی انسان است. درست شبیه نیازهای فیزیولوژیک یک انسان، احساس امنیت با سعادت و موفقیت انسان رابطه مستقیم دارد» (رستگار خالد، سلمانی بیدگلی و آران دشتی، ۱۳۹۳). موفقیت حاصل از کارکرد وجود احساس امنیت، موفقیت‌های بزرگ در بستر وجود امنیت را در هر



جامعه‌ای تضمین خواهد نمود؛ اسلام بر احساس و وجود امنیت تأکید دارد. «در مکتب حیات بخش اسلام که رویکردی الهی به خلقت انسان دارد؛ هدف امنیت، رشد و کمال انسان و جامعه، ارتقای فضایل و معنویات و پیشرفت و توسعه همه جانبه است. این هدف، راز و رمز سعادت انسان تلقی می‌شود؛ لذا، هدف و غایت امنیت در این مکتب با سایر مکاتب تفاوت ماهوی دارد» (خان احمدی، ۱۳۹۱). ارتباط ارزش‌های اخلاقی با امنیت را می‌توان در بستر جامعه با تکامل در جایگاه اجتماعی مشاهده نمود. نوع برخورد انسان در تعامل با افراد مختلف در فرآیند تکامل جایگاه اجتماعی، وابسته به تربیت صحیح در فضای امن می‌باشد. تکامل، یکی از اهداف مهم زندگی و رفتارهای روزمره در بطن گرایش فرد، مرتبط با عملکرد اجتماعی است که باید متصل به مبانی مشخص و الگوهای الهی باشد. نگاه به ارزش‌های انسانی مطابق با ساختار آفرینش انسان، پیروی از الگوهای الهی است که استانداردها و ایده‌آل‌های رفتار بین فردی مبتنی بر فضای امن را در جامعه ارائه می‌کند. دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ۲۷ نهج البلاغه در باب امنیت، اهمیت این مؤلفه را نشان می‌دهد. «شنیده‌ام که یکی از آنها بر زن مسلمانی داخل شده و دیگری بر زنی از اهل ذمه و خلخال و دستبند و گردن‌بند و گوشواره‌اش را ربوده است ... اگر مرد مسلمانی پس از این رسوایی از اندوه بمیرد، نه تنها نباید ملامتش کرد؛ بلکه مرگ را سزاوارتر است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷، فراز ۵).

دین همان مؤلفه مهم، راهبردی و محوری است که می‌تواند مسیر سعادت را در توسل به ارزش‌های اجتماعی برای انسان طراحی نموده و ارائه نماید. «به عقیده دورکیم دانشمند جامعه‌شناس فرانسوی، دین عامل همبستگی و ثبات اجتماعی و پایداری جامعه و مظهر قدرت جامعه است و همچنین، نقش مثبتی در حل و فصل مشکلات اجتماعی، در ایجاد یگانگی دارد. به علاوه دین عامل ثبات، استمرار و پایداری جامعه می‌شود» (شکریگی، مروتی و قاسمی، ۱۳۹۶). ارتباط دین با همبستگی و ثبات اجتماعی، مهم‌ترین رویکرد تعاملی دین با مسائل اجتماعی است که آسیب‌ها و چالش‌های موجود در جامعه را حل می‌نماید. توجه به ضوابط موجود در دین و ارزش‌های انسانی مبتنی بر قواعد تأثیرگذار در ایجاد امنیت اجتماعی، حلقه مفقوده رویکردهای مادی در اداره امور یک جامعه است. لزوم استفاده از قوانین و راهبردهای دینی، انسان را در مسیر تربیت صحیح و اصولی قرار داده، به واپایش عملکرد افراد مختلف کمک می‌نماید. برخی دین را سبب ایجاد محدودیت‌های رفتاری برای فرد معرفی می‌نمایند. این نگاه باتوجه به نوع آفرینش انسان از اساس باطل است؛ چراکه ذات محدودیت‌های دین در رفتار و عملکردهای رفتاری مبتنی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی و ساماندهی عملکرد افراد است. «در بررسی دین به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگی اسلام باید گفت که دین در جوهر خود با پاره‌ای محدودیت‌ها و مرزبندی‌ها همراه است. اسلام به عنوان یک دین از پیروان خود می‌خواهد که بینش و کشش و رفتار خویش را باتوجه به اصول، معیارها و ضوابط خاصی تنظیم کنند. دین، شیوه زیستن ویژه‌ای را به پیروان خویش پیشنهاد



می‌کند و از آنان می‌خواهد که عواطف، نگرش‌ها و گرایش‌های درونی خویش را در درجات خاصی سامان دهند و رفتار بیرونی خود را با تعالیم دینی هماهنگ سازند» (محسنی، فرهادی و قمریان، ۱۳۹۳). این دیدگاه، رفتارها و عملکردهای رفتاری انسان را به تعادل می‌رساند. «گرچه از این زاویه، دین محدودیت‌زا و کنترل‌کننده و سالب آزادی محض آدمی می‌نماید؛ اما از زاویه دیگر، نوعی رهایی و آزادی را به‌ارمغان می‌آورد. در منطق قرآنی، اسلام و شریعت عنصر رهایی‌بخش و آزادی‌آفرین قلمداد شده‌اند و تبعیت و پیروی از پیامبر و تعالیم او به‌منزله طریق گشودن زنجیرهای اسارت و بندگی یاد شده است» (محسنی، فرهادی و قمریان، ۱۳۹۳). مهم‌ترین و عالی‌ترین مرتبه در میان مراتب موجود در امنیت را باید امنیت روانی و فردی دانست؛ که تأثیر گسترده‌ای در ایجاد امنیت اجتماعی ایفا می‌نماید. «احساس ناامنی، فرد درگیر را در فشار قرار می‌دهد و مسائل و مشکلاتی را برای او ایجاد می‌کند و حتی پیامدهای سوئی نیز در بهداشت روانی فردی و ارتباطات اجتماعی او به‌همراه دارد. احساس ناامنی در جنبه‌های مختلف زندگی شغلی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی نمود پیدا می‌کند و با متغیرهای سن، جنس، دین، تأهل، شغل، رشته تحصیلی، شدت یا کاهش می‌یابد» (دهقانی و ابراهیمی، ۱۳۹۸). در نتیجه، تحقق آرمان‌های متعالی در هر جامعه با توسل به ارزش‌هایی است که توانایی و قدرت اراده را در انسان افزایش خواهد داد.

۳-۲. خانواده با محوریت زن، شاخصه جامعه ارزشی و ایران اسلامی

خانواده، یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که بسیاری از تحولات درون جامعه با رویکرد ارزشی از این بستر مهم و راهبردی آغاز می‌گردد. «خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته است: زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان. همچنین هدف، ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده‌های اجتماعی است» (قندانی آرانی و صادقی آرانی، ۱۳۹۴). جایگاه خانواده در میان پدیده‌های مرتبط با فرد و جامعه، به‌جهت وجود مؤلفه‌های مادی و معنوی مبتنی بر فرهنگ ایرانی-اسلامی، اهمیت فراوانی داشته و بسیاری از انسان‌های موفق، خانواده را بستر ایجاد الگوهای تربیتی می‌دانند. «خانواده کانون عواطف و تربیت است و اخلاق، بهترین ابزار تحقق رسالت آن است؛ از این‌رو، مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی از محسوس‌ترین و بنیادی‌ترین و پرکاربردترین مباحث، برای تحقق احکام و قواعد شریعت و حل مسائل این نهاد مقدس است. فرآیندی دوسویه و پویا، در میان اعضای خانواده که سبب نهاده شدن ارزش‌ها و رشد اخلاقی می‌شود» (سعیدیان جزی، ۱۳۹۳). بی‌توجهی به ارزش‌های موجود در خانواده، بزرگ‌ترین آسیب و چالشی است که جوامع مختلف با آن مواجه هستند. حال اگر انسان می‌تواند از فضای موجود ارزش‌های انسانی-الهی در مسیر هدایت و تعالی استفاده نموده و برای رویارویی با پدیده‌های اجتماعی آماده شود، چرا از آن استفاده ننماید. در خانواده ارزش‌های فراوانی وجود دارد که می‌توان به برخی از این ارزش‌ها که سبب انسجام عملکردهای



فرد در جامعه می‌شود، اشاره نمود. چندوجهی بودن خانواده و گستردگی و تعدد عوامل مؤثر بر کارآمدی آن، موجب شناسایی طیف وسیعی از متغیرها شد. مرور نظام‌مند مطالعات بررسی شده در فراتحلیل حاضر نشان می‌دهد که ۹ عامل شامل «ایمان، عقاید و ارزش‌های اخلاقی، تعاملات مثبت خانوادگی، سلامت جسمی و روحی، شیوه اداره زندگی خانوادگی، رشد فردی محیط فرهنگی اجتماعی و سیاسی جامعه، رفاه مادی خانواده (تأمین نیازهای اساسی)، خدمات عمومی، ملاحظات بهداشتی جامعه» می‌توانند در استحکام خانواده ایرانی مؤثر باشند (حاجیان مقدم، غفاری و صالحی امیری، ۱۳۹۴). هریک از این ارزش‌های بیان شده به‌نوعی توانایی خانواده را در اداره امور جامعه بالا برده و تربیت در این بستر متعالی در یک جامعه کوچک، مقدمه اداره امور یک مجموعه بزرگ با ابزار و امکانات گسترده را به‌وجود می‌آورد.

آنچه که امروز در جوامع مختلف به‌واسطه بستری متعالی مانند خانواده ایجاد می‌شود و نیازمندی‌های انسان بر آن تأثیر مستقیم دارد، سبک زندگی است. جامعه به‌سبب نیازسنجی سازمان‌ها و نهادهای مختلف قانونی نیازهایی دارد که مسئولیت تأمین آن برعهده حاکمیت و دولت‌ها است. قرار گرفتن در فرآیند تأمین نیازهای مختلف عموم مردم یک جامعه، سبک زندگی را ایجاد می‌نماید و توانایی و استعدادهای پیدا و پنهان، رابطه مستقیم با سبک زندگی دارد. «برای هرگونه برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در حوزه آموزش خانواده، باید هدف‌گزینی مناسبی انجام داد. تمامی مدل‌های الگوگذاری باتوجه به نیازهای مخاطبین تعیین می‌شوند. برای برنامه‌ریزی، هم نیازهای فردی و هم نیازهای اجتماعی اعضای خانواده را باید موردتوجه قرار داد. الگوهای هدف‌گزینی تایلر (۱۹۵۰) به نیازهای فرد و نیازهای جامعه و موضوع درسی توجه دارد. الگوی هدف‌گذار هوینگ هرست (۱۹۵۲) به تکالیف رشدی در ابعاد جسمانی، عقلانی، عاطفی و اجتماعی توجه کرده است. الگوی هدف‌گزینی سند تحول بنیادین به ابعاد رابطه با خدا، خود خلق و خلقت، عرصه‌های علم و عمل و اخلاق توجه دارد؛ بنابراین، تمامی الگوهای هدف‌گذاری به نیازهای فردی و اجتماعی و اخلاقی توجه داشته و ارزش‌ها و علائق افراد را در قالب توجه به نیازهای آنان موردتوجه قرار می‌دهند» (عصاره، ۱۳۹۴). تمام آنچه که در باب ارزش‌گذاری در باب رفتارهای اجتماعی و حاکمیتی به خانواده بیان شد، را باید سبک زندگی با فرهنگ عمومی خاص دانست. «سبک‌های زندگی، مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هرچیزی را دربرمی‌گیرد» (یعقوبی، ۱۴۰۰). دغدغه‌های فراوانی در سبک زندگی اسلامی وجود دارد؛ که مهم‌ترین آن تولیدنسل و تربیت فرزندان صالح است که باوجود ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر قواعد اسلامی در ایران محقق می‌شود. «ویژگی‌های اجتماعی فرزند در سبک زندگی اسلامی را می‌توان عبارت دانست از: صداقت، احترام و خدمتگزاری به والدین، تقوا، امانت‌داری و پرهیز از دنیاپرستی و انجام کارهای خیر» (یعقوبی، ۱۴۰۰). در حقیقت، سبک زندگی را باید مجموع آن ارزش‌هایی دانست که به



رشد و تعالی افراد درون یک خانواده کمک نموده، جامعه را به مسیر سعادت هدایت می‌نماید. یکی از مهم‌ترین عوامل بروز و ظهور ارزش‌های الهی-اسلامی در خانواده‌ای با شاخص‌های دینی، زن و مادر است؛ که جایگاه ارزش‌های خانوادگی را تشخیص داده و وظیفه به‌کارگیری این ارزش‌ها در تربیت فرزندان برعهده او است. در خانواده ایرانی مبتنی بر قوانین و چارچوب‌های اسلامی، در صورتی می‌توان نقش ارزش‌ها را برجسته دانست که زن و مادر به‌عنوان محور در خانه، مسئولیت ارتباط صحیح و تربیتی خانواده و جامعه را برعهده بگیرد. مقام معظم رهبری در باب نقش محوری زن در خانواده و تبیین جایگاه او می‌فرماید: «من به دستگاه‌های تحقیقاتی، پژوهشگاه‌ها، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و به صاحب‌نظران توصیه می‌کنم و از آنها مطالبه می‌کنم که در این زمینه کار کنند. ما اگر در مسئله زن در کشور خودمان خوب کار کنیم، این خدمت به جامعه زنان در همه دنیا است؛ خدمت حقیقی است به مجموعه زنان در همه عالم. حالا ممکن است بعضی ارزش این خدمت را امروز بفهمند، ممکن است بعضی سال‌ها بعد بفهمند؛ لیکن اگر خوب کار کردیم، این خدمت به آنها است» (فولادی، ۱۳۹۷). نقش کلیدی زن در خانواده و سبک زندگی را می‌توان حول محور سه مسئله مهم بیان نمود که عبارتند از:

الف) گسست میان فرد و جامعه در الگوی جامعه‌پذیری تحت تأثیر نقش همسری

ازجمله نقش‌هایی که در ارتباط زن با خانواده و سبک زندگی به‌وجود آمده، نقش همسری است که تأثیر مستقیمی در ایجاد ارتباط میان مرد و خانواده با جامعه خواهد داشت. کمترین نقش وجود و تأثیر نقش همسری زن در سبک زندگی و خانواده، قبول مسئولیت تأمین نیازهای یک مجموعه انسانی باوجود افراد مختلف است. مرد در ساختار سازمانی تعریف‌شده در خانواده با عنوان مسئول تأمین نیازها و خواسته‌های مختلف شناخته می‌شود؛ که همین امر، ارتباط شکلی مرد را در پایین‌ترین مرتبه با جامعه ایجاد می‌نماید. «وظیفه تأمین نیازهای ضروری زن و نیز وظیفه حمایت از او برعهده مرد است و این مرد است که با تأمین نیازهای زن و اقدام به انجام امور ایشان، آرامش او را رقم می‌زند» (مظاهری، ۱۳۹۱). اگرچه عدم قبول مسئولیت خانواده توسط مرد، امکان ارتباط او را با جامعه ایجاد می‌نماید؛ اما در صورت قبول مسئولیت، مرد از تمام توان و استعداد خود برای رفاه در شیوه زندگی افراد تحت تکفل خود استفاده می‌نماید. پذیرش و قبول مسئولیت‌های اجتماعی توسط مرد و عدم‌پذیرش، ارتباط مستقیم با الگوی جامعه‌پذیری وابسته به کانونی مانند خانواده و سبک زندگی داشته و دارد. جامعه در جهت تحقق اهداف برنامه‌ریزی‌شده، نیازمند حضور مؤثر افراد مختلف است. استفاده از حداکثر توان، قدرت و استعداد برای تأمین نیازهای متکفلین در کانون خانواده، باوجود خواسته‌های احساسی-عاطفی زن و با محوریت او در خانواده محقق خواهد شد. در حقیقت، می‌توان فرآیند جامعه‌پذیری را به‌خوبی در قبول مسئولیت‌های اجتماعی به‌جهت قبول مسئولیت در خانواده با محوریت زن مشاهده نمود. «رویکرد جامعه‌پذیری بر پیوند اجتماعی تأکید دارد. خانواده و جامعه، دو عامل مهم در ایجاد این پیوند هستند. در این رویکرد،



جایگاه خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و مقولات نظارت اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد» (سخایی، سهراب‌زاده و حسینی‌زاده آرانی، ۱۳۹۵). در نتیجه، می‌توان خانواده و همسر را به عنوان مهم‌ترین عامل در ارتباط بین مسئول خانواده و جامعه معرفی نمود؛ که هرگونه گسست در این فرآیند سبب عدم جامعه‌پذیری و ارتباط مرد با جامعه و عدم تأمین نیازهای خانواده خواهد شد.

ب) تربیت صحیح و شکوفایی استعداد، نتیجه نقش مادری

دومین نقشی که زن در خانواده با رویکرد مبتنی بر سبک زندگی دینی-اسلامی برعهده دارد، نقش مادری است که مسئولیتی بسیار حساس، دقیق و راهبردی است. در ارتباط خانواده و جامعه به جهت راهکارهای رشد و توسعه، دو مؤلفه مهم وجود دارد که به پیشرفت جامعه کمک می‌نماید؛ تربیت صحیح یا اصولی با رویکرد شکوفایی استعدادها دو مؤلفه مهم و راهبرد قوی در ارتباط با پیشرفت‌های اجتماعی است. جامعه‌ای که بخواهد در مسیر توسعه یا پیشرفت قرار بگیرد، می‌بایست به مؤلفه‌های مرتبط با تربیت صحیح و گرایش به ارزش‌های دینی توجه خاص داشته باشد. «مادر در دوران شیردهی مانند دوران بارداری موظف است به حالات، گفتار و رفتار و همچنین تغذیه خود و کودک توجه خاصی مبذول کند و از تأثیر آن بر کودک آگاهی کامل داشته باشد؛ زیرا به فرموده حضرت علی(ع) «فَإِنَّ الرِّضَاعَ يُغَيِّرُ الطَّبَاعَ؛ به‌راستی که شیردادن طبیعت را تغییر می‌دهد». به این معنا که چه‌بسا پاکي، ایمان، صداقت و طهارت روحی و معنوی مادر پاک، از طریق حصول نتایج مطلوب در هر جامعه باوجود تربیت صحیح و توجه به ارزش‌های متعالی به‌وجود خواهد آمد. اگر امروز غرب به دنبال مدل تربیتی صحیح می‌گردد؛ به دلیل وجود آسیب‌ها و چالش‌های مهم و بزرگ در نتیجه عدم تربیت صحیح در آن جوامع است. نوع عملکرد و سیاست‌گذاری یا برنامه‌ریزی‌های غرب نشان‌دهنده دور شدن از فضای ارزش‌های انسانی در نازل‌ترین مراتب ارزش است. «اولویت یافتن شغل و درآمد به نقش مادری به حدی است که باب جدیدی در ارائه خدمات، تحت عنوان خدمات مراقبتی از کودکان در سیاست‌های رفاه جوامع غربی گشوده شده است. سیاستی که اگرچه در ظاهر فریبنده و به دنبال کریمانه جلوه دادن رفتار دولت‌ها است؛ اما در عمل، نشان از نگاه دست‌چندمی به مسئله تربیت کودک و بی‌اهمیتی آن در نزد چنین جوامعی دارد. دیدگاه سرمایه‌داری از توجه به مادر و نقش مادری، عوایدی به جیب نخواهد زد؛ اما زن در نقش نیروی کار که در بسیاری از جاها نیروی کار ارزان نیز شمرده می‌شود، کاملاً در جهت تأمین منافع آن است» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۱۰/۲۷). ایجاد بسترهای مختلف برای به‌چالش کشیدن رفتارها و عملکردهای تربیتی انسان، اوج برنامه‌ریزی غلط و دور از نگاه به ارزش‌های الهی است. زمانی آثار این نوع از تربیت غلط را مشاهده می‌نماییم که برنامه‌ریزی‌ها برای به‌چالش کشیدن هویت، موجودیت، تربیت و جایگاه زن انجام می‌گیرد؛ تا با همه‌گیری این راهبرد، بسترهای تعالی انسان، مانند خانواده را از میان بردارند. «در غرب تربیت فرزندان به عنوان یک وظیفه و مسئولیت دانسته نمی‌شود و از همین جهت، والدین احساس پدری و



مادری چندانی ندارند و به همین خاطر، فرزندان از محبت مادری و آغوش گرم خانواده بهره‌ای نمی‌برند. فرزندان در غرب تا سن ۱۸ سالگی با خانواده زندگی می‌کنند؛ اما بعد از آن، از والدین جدا شده و مستقل زندگی می‌کنند؛ که با این کار از تحت نظارت والدین خارج می‌شوند. در تربیت اسلامی، فرزندان استقلال می‌یابند؛ اما جدای از خانواده نیستند و والدین بر فرزندان نظارت دارند و گاهی آنان را راهنمایی و ارشاد می‌کنند» (زندیه، ۱۴۰۰). دیدگاه اسلام در قبال موجودیت و هویت زن را می‌توان در بیان مقام معظم رهبری مشاهده نمود: «در دامن پرمهر و عطوفت و با سخنان پر نکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند؛ انسان‌های بی‌عقده، انسان‌های خوش‌رو، انسان‌های سالم از لحاظ روحی و اعصاب در دامن او پرورش پیدا کنند و مردان و زنان و شخصیت‌های جامعه را به وجود آورد. مادر از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و بارزتر است. بزرگ‌ترین دانشمندان، ممکن است مثلاً یک ابزار بسیار پیچیده الکترونیکی را به وجود آورند، موشک‌های قاره‌پیما بسازند، وسایل تسخیر فضا را اختراع کنند؛ اما هیچ‌یک از اینها اهمیت آن را ندارد که کسی یک انسان والا به وجود آورد و او، مادر است. این، آن الگوی زن اسلامی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵). در نتیجه، الگوی زن پایبند به ارزش‌ها به‌خوبی مسیر تربیت جامعه را مدیریت نموده، جایگاه توسعه و رشد یک کشور با رویکردهای مدیریت اسلامی و غیره به‌واسطه عملکرد رفتاری و تربیتی زن در خانواده ارتقاء پیدا می‌نماید.

ج) قناعت رویکرد مدیریتی زن در ارائه راه‌حل دینی بر عبور از بحران‌های اقتصادی

خانواده یکی از بسترهای وقوع رفتارهای اقتصادی با محوریت برنامه‌ریزی برای رسیدن به اندیشه روانی مطلوب و رفاه فردی، پایه‌گذار رفاه اجتماعی است. رویکردهای دینی مبتنی بر قواعد انسانی در قالب چارچوب‌هایی دینی، از جمله مهم‌ترین راهکارهایی است که بستر وقوع واکنش‌های صحیح و اصولی را به وجود می‌آورد. نوع نگاه فرد به فعالیت‌های افراد مختلف در جامعه و سبک زندگی در تغییر رویکردهای نوع زندگی شخصی و فردی، تأثیر مستقیم داشته و دارد. باید دو رویکرد مادی و معنوی را عامل و مؤلفه در سبک زندگی امروزی برشمرد؛ رفاه مطلوب در نوع زندگی بشر وابسته به این دو دیدگاه مهم و راهبردی است. «برنامه‌ریزی معیشتی خانواده نباید به‌گونه‌ای باشد که امور معنوی نادیده گرفته شود. امیرمؤمنان علی (ع) در این مورد می‌فرماید: «بزرگ‌ترین کم‌توجهی، سرگرمی انسان به چیزی است که در سرای آخرت همراه او نیست». منظور این است که نباید امور معنوی، در اثر توجه بیش‌ازحد به نیازهای مادی به فراموشی سپرده شود؛ بلکه باید هرکدام در جایگاه خود قرار گیرد» (مطلبی فشارکی و توکلی، ۱۳۹۹). مهم‌ترین عامل و مؤلفه‌ای که می‌تواند مسیر تلاش‌های فرد را برای رسیدن به آسایش همراه با آرامش فراهم نموده و در انتخاب مبانی صحیح عملکردهای رفتاری کمک نماید، استفاده از قناعت در سبک زندگی است؛ راهبردی که با محوریت زن، جامعه را در مسیر آرامش حداکثری و دوری از توجیه وسیله برای رسیدن به هدف قرار می‌دهد. «زن در جایگاه مدیر خانه و در مقام مشاور پدر، با تدبیر



صحیح و به موقع خویش، می‌تواند نقش به‌سزایی در برنامه‌ریزی و تدبیر جهت اولویت‌بندی نیازهای خانواده و صرف درآمدها در بهترین مصارف ایفا نماید و از این طریق، آرامش و رشد مادی و معنوی را برای خانواده خود به‌ارمغان آورد» (شریفی، ۱۳۹۴). هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی برای رسیدن به حداکثر نیازهای انسانی بدون توجه و نگاه به جایگاه اجتماعی و نوع زندگی افراد مختلف، فرد و جامعه را به مسیر رفتار صحیح هدایت خواهد نمود. برنامه‌ریزی در جهت اصالت دادن به تغییرهای مادی در زندگی به سبب نگرش و انتخاب دیدگاه مادی زندگی ممکن است دشواری‌های فراوانی را در سبک زندگی ایجاد نماید. فرق بین آرامش و آسایش در این دیدگاه به وضوح مشاهده می‌گردد. در این رویکرد، به خوبی می‌توان توجیه وسیله را برای رسیدن به اهداف مشاهده کرد. رسیدن به آسایش ممکن است انسان را از توجه به مبانی انسانی عملکردهای رفتاری دور نماید. «مغنیه قناعت به کم را از مصادیق جهاد زنان به‌شمار می‌آورد. وی از قول استادش می‌گوید: زن فقیر و بی‌چیز، می‌تواند همسر خود را با دارایی خویش یاری رساند؛ زیرا او در زندگی صبر می‌کند، با زیاده‌خواهی، همسرش را به سختی نمی‌افکند، به کم بسنده کرده و جز برای کارهای ضروری خرج نمی‌کند. در روایت آمده است: بهترین اهل، کسی است که انسان را از رنج و زحمت رهایی بخشد» (باوفا، ۱۳۹۹). در نتیجه، می‌توان مدیریت زن را در خانواده و سبک زندگی با رویکرد دینی، محور اصلی عبور از بحران‌های اقتصادی دانست.

۳-۳. انفعال در برخورد با خانواده با محوریت زن، ایجاد ناامنی اخلاقی و دینی

امنیت، مفهومی مهم و راهبردی است که ارتباط مستقیم با بسیاری از فرآیندهای تعالی‌بخش در هر جامعه داشته و دارد. هر کشوری برای رسیدن به جایگاه اصلی خود میان کشورهای مختلف، باوجود رقابت در مؤلفه‌ها و عوامل توسعه یا پیشرفت، نیازمند به وجود چنین پدیده‌ای بوده و توسعه یا پیشرفت باوجود امنیت در گام اول محقق خواهد شد. «امروزه نقش و اهمیت امنیت در پیشرفت هر جامعه‌ای تا آنجا است که آن را بستر و پیش‌نیاز هرگونه توسعه‌ای دانسته‌اند. امنیت، نقش تعیین‌کننده و مهمی را در ایجاد انواع توسعه ایفا می‌نماید» (دسترنج و قنبری، ۱۳۹۹). در صورتی می‌توان انتظار تأثیر تلاش و شکوفایی استعدادهای یک جامعه را داشت که نیروی انسانی متخصص از ابتدایی‌ترین ابزار و وسیله در جهت بروز خلاقیت‌های علمی و عملی برخوردار باشد. امنیت، همان ابزار و وسیله‌ای است که مسیر نیل به اهداف برنامه‌ریزی‌شده را در هر جامعه تسهیل خواهد نمود. امنیت، دارای اقسامی است که مهم‌ترین مسئله و محور مباحث در این بخش، امنیت اخلاقی و دینی می‌باشد. کشوری که قوانین خود را بر پایه اخلاق و دین برای انجام ارائه می‌نماید، تمامی امکانات موجود خود را در جهت ایجاد همان رویکرد برنامه‌ریزی‌شده قرار خواهد داد. «واقعیت آن است که امنیت و توسعه دو مفهوم و به تعبیر مناسب‌تر، دو چارچوب مفهومی از ارزش‌ها هستند که بالنسبه با غایات و ارزش‌های انسانی دیگری جنبه مقدماتی و تبعی دارند. به عبارت واضح‌تر، انسان به‌خاطر برخی ارزش‌های عالی‌تر دیگر نیازمند توسعه و امنیت



است. در این صورت توسعه و امنیت، هویت خود را بالنسبه با آن مقاصد ارزشی عالی تر می یابند» (رمضانی، ۱۳۹۴). آنچه که این دو مفهوم متعالی را برجسته می نماید، توجه به ارزش هایی است که در این بستر دنبال می شود. اساساً دو مفهوم امنیت و توسعه باوجود ارزش و اخلاق یا چارچوب های مشخص ارائه شده از دین، معنا و مفهوم صحیح پیدا می کند. نگرش مادی به موضوع سبک زندگی، آسیب هایی را در بُعد تربیت اخلاقی ایجاد می نماید، ازجمله آسیب های این نوع دیدگاه و نگرش، مخدوش شدن امنیت اخلاقی مبتنی بر راهبردهای تربیتی دینی است. چالش های تربیت مادی، سبب توجه وسیله در رسیدن به اهداف خواهد شد. مقام معظم رهبری، نتیجه فرهنگ غرب در از بین بردن امنیت اخلاقی و سبک زندگی را این گونه ترسیم می نمایند: «در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسان ها در اجتماع و در خانواده هست، بی هدفی و پوچی هست؛ با اینکه ثروت هست، بمب اتم هست، پیشرفت های گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست» (جلالیان اکبرنیا، ۱۳۹۷). بیان نقش محوری زن در سبک زندگی و نوع تربیت افراد خانواده و جامعه با وسیله و ابزار دین، برای رسیدن به اهداف متعالی است. عدم جدیت در توجه به بستر تعالی بخشی مانند خانواده که محور توسعه یا پیشرفت در ابعاد مختلف است، برنامه ریزی ها و هدف گذاری های دینی و اخلاقی را دچار آسیب می نماید. «در بُعد دینی نیز با ایجاد شبهه افکنی در بنیان های اعتقادی جوانان و نوجوانان سعی در دوری نسل جوان و نوجوان از دین و مبانی دینی می نمایند؛ تا بتوانند الگوهای خود را جایگزین نمایند» (طباطبایی، ۱۴۰۱). بی توجهی به نقش زن به عنوان محور در تربیت نیروی فعال و اخلاق در جامعه، همان هدفی است که غرب از نگاه مادی به زندگی دنبال می نماید. اهمیت به مسئله جنسیت در خانواده و سبک زندگی و محور قرار دادن زن به عنوان مدیر و مربی در خانواده اهداف تربیت اخلاقی را محقق نموده، امنیت اخلاقی و دینی باوجود این اهتمام به وجود خواهد آمد. بسیاری از آسیب های امروز در کشورهای مختلف، ریشه در بی توجهی و انفعال از تأثیر و نقش محوری زن در خانواده دارد. نوع نگاه امام خمینی به محوریت مسئولیت زن در تربیت را در این بیان می توان مشاهده نمود: «زن انسان است، آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان ها پیدا می شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان ها زن است، سعادت و شقاوت کشورها، بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش، انسان درست می کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می کند. مبدأ همه سعادت ها از دامن زن بلند می شود» (فقیهی، ۱۳۹۶).

۴. نتیجه گیری

رویکردهای نوین اجتماعی امروز، پدیده های نوینی را به وجود آورده که سبب تغییر و تحول در مسیر جریان زندگی نوع بشر شده است. امنیت ازجمله پدیده های جدید و به روزی است که به سبب نوع زندگی بشر، اصالت جایگاه فرد در جامعه و عملکردهای رفتاری انسان در ارتباط مستقیم با این پدیده مهم و



نوظهور هستند. مؤلفه‌های بیان شده که در ارتباط با ناامنی اخلاقی و دینی در جریان انفعال بر مواجهه خانواده با محوریت زن مطرح بوده، جریان ارزش‌ها را در جامعه به وجود خواهد آورد. جبران فاصله میان فرد و جامعه در الگوی جامعه‌پذیری اجتماعی، سبب شکوفائی استعدادها و ظرفیت‌های اعضاء خانواده در قبول مسئولیت مادری توسط زن خواهد شد. تربیت با الگوهای ارزشی و استفاده از ظرفیت اقتصادی زن در ارائه الگویی مانند قناعت خانواده را از بحران‌های معیشتی عبور خواهد داد. وجود چالش‌ها و بحران‌های موجود در خانواده با استفاده از ظرفیت‌های مدیریتی، تربیتی و اقتصادی زن در خانواده با ایجاد سبک زندگی حاصل از تمرکز بر ارزش‌های دینی به حداقل رسیده و حضور زن به عنوان محور در خانواده با ایفای نقش همسری، مادری و مدبر در امور اقتصادی، در خدمت توسعه ارزشی و اقتصادی خانواده و جامعه خواهد بود. در حقیقت فاصله میان زن، خانواده و سبک زندگی ارزشی با جامعه، خطر ایجاد ناامنی دینی و اخلاقی را به وجود آورده است. اسلام در توجه به شاخصه محوریت زن در خانواده و ایجاد الگوی متعالی در سبک زندگی ارزشی، رویکردهای بسیاری را بیان نموده که باید در بطن و متن جامعه مورد استفاده قرار بگیرد.



منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- باوفا، مرجان (۱۳۹۹). واکاوی رویکرد مغنیه به مسائل خانواده در تفسیر الکاشف. *پژوهشنامه مطالعات میان‌رشته‌ای تفسیر و کلام*، شماره ۴، ص ۱۳-۳۴.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۷). جنسیت در خانواده از دیدگاه جامعه‌شناسی اسلامی. *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، شماره ۱۳، ص ۳۷-۶۲.
- جعفری، افشین؛ حاجیان حسین‌آبادی، رضا؛ فدوی، احمد (۱۴۰۰). مدیریت در چشم‌انداز حکومت علوی و اسناد بین‌المللی. *سیره پژوهی/اهل بیت (ع)*، شماره ۱۲، ص ۵-۱۸.
- جلایی نویری، فاضل (۱۴۰۰). نظر حضرت امیر(ع) بر حاکمیت فرهنگ عقلانیت و دوران‌دیشی در زندگی مادی و معنوی انسان سعادت‌گرا. *پژوهش و مطالعات اسلامی*، ۳(۲۴)، ص ۱۴-۲۶.
- جلانیان اکبرنیا، علی (۱۳۹۷). شناخت و واکاوی مفهوم اصول و مبانی سبک زندگی اسلامی. *پژوهش‌های اجتماعی/اسلامی*، شماره ۱۱۶، ص ۴۳-۶۶.
- چلونگر، محمدعلی؛ نجاتی، محمدسعید (۱۳۹۴). بررسی رویکردهای سیاسی و معنوی امامت شیعه در زندگی امام کاظم(ع). *تاریخ اسلام*، شماره ۶۱، ص ۷-۳۰.
- حاجیان مقدم، فاطمه؛ غفاری، غلامرضا؛ صالحی امیری، رضا (۱۳۹۴). ویژگی‌های خانواده مستحکم ایرانی: مرور پژوهش‌های انجام‌شده طی سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۸۹؛ ۱۳۹۴. *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۷(۱)، ص ۱۳۷-۱۵۶.
- حیدری، معصومه (۱۴۰۱). مقایسه حقوق زن در اسلام و سایر ادیان توحیدی. *مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، شماره ۴۳، ص ۱۶۷-۲۰۰.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۱/۰۹/۲۵). *تجمل‌گرایی*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=2645&nt=2&year=1371&tid=1699>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱/۱۰/۲۷). *نگاه غربی زن را بدون خانواده می‌خواهد*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=51772>
- خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۱). امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج البلاغه. *آفاق/امنیت*، شماره ۱۵، ص ۱۴۹-۱۸۷.
- دسترنج، منصوره؛ قنبری، سمیه (۱۳۹۹). بررسی وضعیت احساس امنیت اجتماعی و عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر آن در بین جوانان شهر لار. *امنیت ملی*، ۱۰(۳۵)، ص ۱۳۱-۱۵۴.
- دهقانی، حمید؛ ابراهیمی، حدیقه (۱۳۹۸). مطالعه احساس امنیت روانی و اجتماعی با گرایش به خرافات مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۲۷، ص ۹۹-۱۲۲.
- رستگار خالد، امیر؛ سلمانی بیدگلی، مسعود؛ آران دشتی، سمیه (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی



- همسایگی با احساس امنیت محل‌های (مورد مطالعه: شهر آران و بیدگل). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، شماره ۱۱، ص ۸۵-۱۱۸.
- رمضانی، حسین (۱۳۹۴). تحلیل مفهومی- ساختاری مناسبات امنیت و توسعه در هندسه معرفت و حکمت اسلامی. *پژوهشنامه علوم انسانی/اسلامی*، شماره ۴، ص ۳۲-۵۹.
- زندیه، زهرا (۱۴۰۰). تأثیرپذیری خانواده از فرایند تربیتی فرزندان در نگاه اسلام و غرب. *مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، (۲)۷، ص ۵۲-۶۱.
- ساروخانی، باقر؛ احمدی، امید؛ علی؛ صفا، داود (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان الگوهای خانواده در جامعه کنونی با تأکید بر مناسبات همسرگزینی (بازنمایی الگوهای پست‌مدرن، تجددگرا، سنتی، در حال گذار، اسلامی). *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، شماره ۲۲، ص ۹-۴۲.
- سخایی، ایوب؛ سهراب‌زاده، مهران؛ حسینی‌زاده آرانی، سید سعید (۱۳۹۵). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران). *مطالعات جامعه‌شناختی*، شماره ۴۹، ص ۴۰۵-۴۳۱.
- سعیدیان جزی، مریم (۱۳۹۳). اصول و ارزش‌های اخلاقی در نهاد خانواده براساس آموزه‌های وحیانی و سیره اهل بیت (ع). *پژوهشنامه حکمت اهل بیت (ع)*، (۲)۱، ص ۶۱-۸.
- سمانچوه؛ پاناپا (۱۳۹۸). جایگاه و نقش زن در آرامش خانواده. *پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده*، (۳)۲، ص ۲۳-۳۷.
- شریفی، رنوفه (۱۳۹۴). پیامبر (ص) و نهاد خانواده، جایگاه مدیریت زن در اقتصاد خانواده. *مطالعات پژوهشی زنان با رویکرد اسلامی*، شماره ۳، ص ۲۳-۳۸.
- شکر بیگی، نرگس؛ مروتی، سهراب؛ قاسمی، یارمحمد (۱۳۹۶). خوانش قرآنی از سرمایه اجتماعی با تأکید بر سوره حجرات. *دین و ارتباطات*، شماره ۵۱، ص ۶۵-۱۰۱.
- طباطبایی، سید محمد (۱۴۰۱). خانواده، سبک زندگی، امیدآفرینی و پیروزی. *پیوند*، شماره ۴۹۹، ص ۱۴-۱۶.
- عصاره، علیرضا (۱۳۹۴). خانواده و توجه به تغییر ارزش‌ها. *پیوند*، شماره ۴۳۶، ص ۳-۵.
- علی‌پور، مینا (۱۳۹۵). مدیریت زن در خانواده. *مطالعات پژوهشی زنان با رویکرد اسلامی*، شماره ۴، ص ۹۳-۱۱۹.
- فقیهی، علی نقی (۱۳۹۶). مولفه‌های حفظ کرامت زن و نقش تربیتی آن در سبک زندگی اسلامی. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، شماره ۲۴، ص ۱۳۷-۱۵۸.
- فولادی، مجید (۱۳۹۷). تبیین نقش زن در خانواده؛ الگوبرداری از الگوهای ناب. *مبلغان*، شماره ۲۳۲، ص ۶۲-۷۱.
- فهمی، شریفه؛ محمدی، صدیقه (۱۳۹۹). جایگاه عقل در کرامت ارزشی انسان از دیدگاه علامه طباطبایی. *کلام و حکمت*، شماره ۶، ص ۱۱-۳۰.
- قندانی آرانی، علی‌اکبر؛ صادقی آرانی، زهرا (۱۳۹۴). *خانواده و سبک زندگی اسلامی*. در: *کنگره بین‌المللی*



- روانشناسی و علوم تربیتی با رویکرد اسلامی.
 محسنی، علی؛ فرهادی، عباس؛ قمریان، ناهید (۱۳۹۳). بررسی و تبیین جایگاه دولت در عرصه فرهنگی جامعه از نگاه اسلام و لیبرالیسم. راهبرد، شماره ۷۲، ص ۱-۲۸.
 مطلبی فشارکی، محمد؛ توکلی، محمدجواد (۱۳۹۹). الگوی تقدیر معیشت خانواده در اقتصاد اسلامی. معرفت، شماره ۲۷۲، ص ۹۱-۱۰۳.
 مظاهری، حبیب (۱۳۹۱). قیومت و شخصیت زن. بینات، شماره ۷۴، ص ۴-۲۲.
 ملکوتی نیا، علی (۱۳۹۵). نقش کانون خانواده در سلامت جامعه اسلام. مبلغان، شماره ۲۰۳، ص ۵۸-۶۷.
 نعمتی، فاطمه؛ بلند، حسن؛ صیادی، علی (۱۴۰۱). بررسی نقش واسطه‌های بحران هویت و انسجام خانواده در تعیین رابطه مشارکت در شبکه‌های اجتماعی با نگرانی از تصویر بدنی در میان دانش‌آموزان. پژوهش‌های مشاوره، شماره ۸۱، ص ۲۵۷-۲۸۰.
 یزدی، اقدس (۱۳۸۸). اخلاق مادری در اسلام و فمینیسم. پژوهش‌های فلسفی کلامی، شماره ۳۹، ص ۱۵۱-۱۸۴.
 یعقوبی، محمدعلی (۱۴۰۰). ویژگی‌های فرزند صالح در سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن و حدیث. مطالعات حدیث پژوهی، شماره ۱۱، ص ۳۹-۶۳.